

در گفت‌وگوی «جوان» با عوامل تهیه و تدوین کتاب «بانگ آزادی» مطرح شد

# طراوت ذهن موسیقایی استاد «راغب» تمام ناشدنی بود

مربوط است. محتوای این کتاب بر هر

دو فصل استادی می‌پردازد یا اینکه به فعالیت‌های ابتدای انقلاب به بعد ایشنان می‌پردازد؟

این کتاب از اتفاقات قبل از انقلاب شروع می‌شود. در واقع کتاب «بانگ آزادی» با پرداختن به بخش‌هایی از زندگی و اتفاقات زندگی پدر و مادر مرحوم استاد راغب شروع می‌شود. پدر ایشان از همراهان شهید میرزا کوچک خان جنگلی در جریان شکل‌گیری نهضت جنگل بوده‌اند. ما بسیاری از حوادث سیاسی شمال کشور به‌خصوص منطقه انزلی و گیلان را در دوران کودکی استاد راغب می‌بینیم. ارتباط ایشان با فضای چپ کمونیستی آن سال‌ها و روایتی که از ارتباط کشتی‌های روسی و شوروی سابق می‌کنند در ارتباط با مناطق شمالی کشور در این اثر پیداست. در سال‌های دهه ۴۰ که استاد عضو ارکستر رادیوی گیلان می‌شوند و آهنگ‌هایی که آنجا می‌سازند باعث می‌شود ساواک روی ایشان حساسیت پیدا و محدودیت‌هایی را برای استاد ایجاد کند. بعدها مرحوم راغب به تهران می‌آیند و در ارکستر رادیو تلویزیون ملی ایران مشغول کار می‌شوند. همچنان آن فضای سیاسی که در دوران کودکی و نوجوانی با آن زندگی کرده و بزرگ شده‌اند را در ذهن دارند. وقتی به حوادث ناگوار ۱۷ شهریور و کشتار فجیع مردم به دست دستگاه پهلوی می‌رسند طبیعی است همراه دیگر کسانی که به دلیل اعتراض به این کشتار وحشیانه از رادیو بیرون آمدند با آن سابقه ذهنی و خانوادگی استعفا کنند.

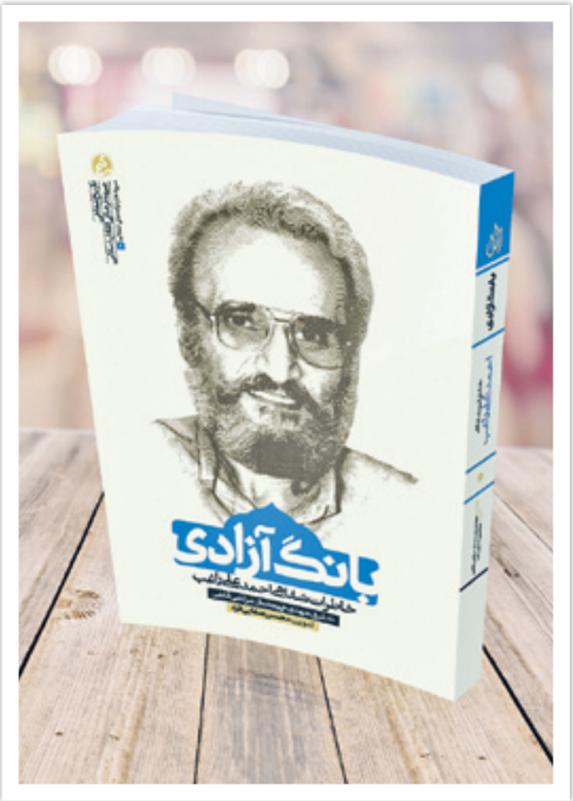
مرحوم راغب در یک مظلومیت خاصی هم سرمی‌برند، البته برخی افراد می‌گویند در حوزه تولید یک اثر موسیقایی معمولاً آهنگساز و شاعر به اندازه‌ای که خواننده اثر در مرکز توجهات قرار می‌گیرد، دیده نمی‌شوند. از طرفی دیگر شخص مرحوم راغب خیلی مایل به چهره شدن و ایجاد سروصداهای معمول رسانه‌های نبودند که این مسائل در کنار یکدیگر باعث شکل‌گیری مظلومیت مضاعفی در رابطه با استاد شده بود. با توجه به صحبت‌هایی که با خود استاد داشتید و اشاراتی که احتمالاً ایشنان به چنین موضوعاتی داشتند فکر می‌کنید عدم شناخته شدن کسی مثل احمدعلی راغب با آن آثار عظیم موسیقایی به همین دلایل بوده یا اینکه گوناگی های رسانه‌ای و مدیریتی هم در این مسئله دخیل بوده‌اند؟

قطعاً بخشی از این مظلومیت به همین روحیه تواضع و فروتنی و همچنین پشت صحنه بودن و ماندن شخص آقای راغب برمی‌گردد که این اخلاقشان قابل ستایش و قدردانی است، اما یک روی دیگر غربت ایشان شاید مربوط به بی‌توجهی و کم لطفی مسئولان و مدیران فرهنگی و هنری کشور به‌خصوص در این سال‌های اخیر باشد. من اصلاح‌کاری ندارم به اینکه فلان دولت مستقر یا بهمان دولت قبل چه اقداماتی انجام داده است. ما در این سوی ماجرا یک پدیده موسیقایی داریم که با جامعه، فضای ملی و انقلاب اسلامی ما به معنای کلی کلمه تعلق دارد. این‌ام دم در روزگار فکر کامل قطعاً موسیقی حماسی سال‌های سال رویانگر حساسه‌های مردم ما بوده و توانسته بود در آثارش خاطرات بسیار ماندگاری را برای مردم بسازد. کسی که خاطره ملی می‌سازد هر کس که باشد باید از آن شخص به‌دشپرستی قدردانی صورت گیرد تا چنین اقدامات و فداکاری‌هایی ادامه‌دار باشد. برخی مدیران هنری و فرهنگی دولتی ما کسانی را که خیلی هم سابق روشنی نداشتند و صرفاً در سال‌های اخیر کارهای ارزشمندی را تولید کرده‌اند خیل پر و پال می‌دهند و تحویل می‌گیرند ولی برای من قابل فهم و حتی قابل گذشت نیست که حتی در تشییع پیکر و مراسم خاکسپاری مرحوم استاد احمدعلی راغب نه همان هنری وزیر ارشاد و نه رئیس مرکز موسیقی وزارتخانه حاضر بود و نه رئیس مرکز موسیقی صدا و سیما آمده بود.خدا بپناه پناه خوبی است ولی باید ببینید بالاخره کسی مثل استاد احمدعلی راغب فریب به ۴۰ سال در مرکز موسیقی صداوسیما فعالیت کرده و سال‌های سال روی صندلی ریاست عضو شورای عالی موسیقی صداوسیما بوده وقتی به رحمت خدا می‌رود هیچ‌کدام از این مدیران محترم حتی حضور نپیدندی هم پیدا نمی‌کنند!قطعاً برای استاد راغب که سال‌های بسیار زیادی بدون هیچ چشمداشتی برای تولید آثار موسیقایی تلاش و کوشش کرده فرقی نمی‌کند چه کسی یا کسانی زیر تاپوشش را بگیرند این برای ما مهم است. این نشان دهنده میزان احترام جامعه‌مدیریتی کشور در عرصه فرهنگ و هنر نسبت به پیشکسوتان و بزرگان و کسانی که حقی به گردن مسیر پیش آمده‌ما دارند، می‌تواند باشد!

این قضیه مربوط به چند سال اخیر است؟ خیر! این بی‌توجهی مال این یکی دو سال و حتی این دولت و آن دولت هم نیست! کسی که در کارنامه هنری‌اش برادری‌اش را به انقلاب و هنر انقلابی ثابت کرده است محقق این کم توجهی‌ها نیست. هر چند

در طول این سال‌ها کسانی بودند برای مرحوم راغب بزرگداشت بر گزار کردند ولی در مجموع می‌بینیم که احمدعلی راغب و همه کسانی که چیزی به اسم موسیقی حماسی و موسیقی انقلاب اسلامی را برابری

# فرهنگی



ما ساختند و با خلق ملودی‌های ماندگار برای ما خاطره‌سازی کردند آنگونه که شایسته و بایسته است مورد توجه و تقدیر قرار نگرفتند. یک چیز دیگری هم شاید بشود گفت و آن غفلت عمومی مدیریت و سیاستگذاری هنری کشور نسبت به موسیقی انقلابی است.

مرحوم راغب تنها آهنگسازی است که تأیید مرحوم امام(ره) به عنوان یک مرجع تقلید بزرگ و یک قفیه و مجتهد شیعی است که به تمام ظرایف و دقایق دین مسلط است را به دلیل ساخت سرودهای انقلابی دریافت کرده است.از طرفی مسئله بسیار مهمی تحت عنوان سرودهای انقلابی توسط ایشان شکل گرفت و به اوج رسید و مرحوم راغب حکم سنگ بنای این عرصه را دارد. با این همه شاهد غفلت عجیب و غریبی از جانب مدیران و مسئولان هنری به مرحوم راغب هستیم. در حالی که اگر این بی‌توجهی به همه فعالان تسری داشت می‌شد، بعد از تمام کار مدت زمانیه هم مصروف در حوزه موسیقی شمالی را یادتان است؟ آهنگستان آنها مرحوم راغب بودند!

از یابی شما؟ جایگاه هنری استاد راغب چیست؟

ایشان در حوزه موسیقی به یک نهاد اجتماعی و درخت تنومندی تبدیل شده که کاملاً می‌شود از آن استفاده کرد وزیر سایه آن با خیال راحت نشست و نسل به نسل آموزش داد. البته ما نمی‌خواهیم از مرحوم راغب یک چهره مقدسی بسازیم بلکه می‌خواهیم بگوییم ما می‌توانستیم از درخت تنومند و تناور احمدعلی راغب بیش از این استفاده کنیم. الحمدلله که ایشنان این همه کار ساخته و سالیان زیادی مصدر خدمت بودند و سال‌های زیادی در صدا و سیما آثار ماندگار تولید کردند ولی حرف این است کسی که در همه این سال‌ها ذهنش آنچنان جوشان ماند که در سال ۱۳۸۹ قطع‌ه حساسی «عهد ایران» را بسازد کسی که در سوگ شهادت «مجیدشهریاری» تنها آهنگ یا یکی از بهترین آهنگ‌ها را برای این شهید ساخته معنائیش این است که طراوت و نشاط ذهن موسیقایی ایشنان تمام ناشدنی بود و مدیران ما اگر اراده می‌کردند می‌خواستند می‌توانستند از ایشان بهتر از اینها استفاده کنند. البته علت توجه در سکوت خیلی‌ها آقای احمدعلی راغب به میدان آمدند و کار ساختند! می‌شد که بیشتر و بهتر از ایشان حق شناسی و قدردانی شود.

اتفاقاً آقای شاهنکیان هم چنین خاطره‌ای را در مورد استاد راغب و روزهای پر التهاب ابتدای انقلاب

احمدعلی راغب و همه کسانی که چیزی به اسم موسیقی حماسی و موسیقایی انقلاب اسلامی را برای ما ساختند و با خلق ملودی‌های ماندگار برای ما خاطره‌سازی کردند آنگونه که شایسته و بایسته است مورد توجه و تقدیر قرار نگرفتند. یک چیز دیگری هم شاید بشود گفت و آن غفلت عمومی مدیریت و سیاستگذاری هنری کشور نسبت به موسیقی انقلابی است



مطرح می‌کنند و می‌گویند: «سال ۵۷-۵۸ کسی جرئت تولید آثار انقلابی را نداشت، اما راغب یکی از مؤثرترین آدم‌هایی بود که در این زمینه سفارش کار قبول می‌کرد.»

ایشان کار خوب می‌ساختند؛ کارهایی که در تاریخ این کشور ماندگار شدند. من در مقدمه همین کتاب «بانگ آزادی» نوشتم که «هیچ ایرانی نیست که اثری از آثار احمدعلی راغب را نشنیده باشد. دهه شصتی‌ها یا او‌ها و نوا‌های او بزرگ شده‌اند.» ما انقلاب اسلامی را در خلال آهنگ‌ها و سرودهای انقلابی شناختیم که استناد گل‌ریز آن را خوانده بود و شعرش را مرحوم حمید سبزواری سروده و آهنگسازیش اش را مرحوم استاد راغب انجام داده بود. ما بچه که بودیم صحبت‌های امام را خیلی نمی‌توانستیم متوجه شویم اما همان حرف‌ها را در قالب سرودهای اساتیدی مثل راغب و حمید سنسزواری می‌شنیدیم و جامعه‌پذیری نسل ما مدیون موسیقی انقلابی و به‌خصوص احمد علی راغب است.

**آقای قاضی‌الظاهر گرفتند و تکمیل مصاحبه‌هایی که با مرحوم راغب انجام شده‌به‌عهده شما بوده است لطفاً بفرمایید این مصاحبه‌ها با مرحوم استاد راغب چند طول کشید و کتاب «بانگ آزادی» چطور شکل گرفت؟**

سال ۸۹ پروژه از طرف آقای مهدی چیت‌ساز شروع شده بود. یک‌سال بعد وقتی در دفتر جبهه مطالعات فرهنگی این کار به دست من رسید به‌بنده گفته شد این کار تمام نشده است و به نظر می‌رسد خلا‌هایی وجود داشته باشد. به همین علت من آن را مطالعه و سؤال‌هایی را استخراج کردم. خلا‌های زیادی وجود داشت که باید بر می‌شد ضمن اینکه بخش‌های بیشتر مهمی از جمله زندگی شخصی استاد راغب گستر شده بود، اما آن بخشی که مربوط به سرودهای انقلابی می‌شد و اتفاقاً منظور اصلی تهیه و تدوین این گفت‌وگوها بود به دلیل کمبود وقتی که استاد راغب داشتند در برخی علل دیگر تکمیل نشده بود. به همین علت با امیر راغب فرزند استاد راغب و آقای صفیای جل‌سادی گذاشتیم و جمع‌بندی خود را گفتیم و قرار بر این شد که استاد تشریف بیاورند دفتر است‌مباحث‌ها را تکمیل کنیم. ۱۰ جلسه تکمیلی تقریباً دو تا سه ساعته به صورت هفتگی بر گزار کردیم که استاد زحمت می‌کشیدند و به دفتر ما می‌آمدند و به سؤالات پاسخ می‌دادند. اگر چه ایشان بیماری سرطان را گذرانده بودند و به لحاظ جسمی می‌گفت سرود «مدرسه‌ها و آ‌شده» را شنیدای؟ مرحوم راغب آن را ساخته است! ما در مواجهه با یک فرد انقلابی می‌گفتم که آهنگ «خجسته باد این پیروزی» را یادت می‌آید؟ کار استاد است! اگر فرد سیاسی بود می‌گفتم آهنگ «راه رجا» را یادت می‌آید؟ برای استاد راغب است. اگر کسی بود که فضای موسیقی محلی کار می‌کرد می‌گفتم آثار ناصر مسعودی در حوزه موسیقی شمالی را یادتان است؟ آهنگستان آنها مرحوم راغب بودند!

چیت‌ساز از یابی شما جایگاه هنری استاد راغب چیست؟
ایشان در حوزه موسیقی به یک نهاد اجتماعی و درخت تنومندی تبدیل شده که کاملاً می‌شود از آن استفاده کرد وزیر سایه آن با خیال راحت نشست و نسل به نسل آموزش داد. البته ما نمی‌خواهیم از مرحوم راغب یک چهره مقدسی بسازیم بلکه می‌خواهیم بگوییم ما می‌توانستیم از درخت تنومند و تناور احمدعلی راغب بیش از این استفاده کنیم. الحمدلله که ایشنان این همه کار ساخته و سالیان زیادی مصدر خدمت بودند و سال‌های زیادی در صدا و سیما آثار ماندگار تولید کردند ولی حرف این است کسی که در همه این سال‌ها ذهنش آنچنان جوشان ماند که در سال ۱۳۸۹ قطع‌ه حساسی «عهد ایران» را بسازد کسی که در سوگ شهادت «مجیدشهریاری» تنها آهنگ یا یکی از بهترین آهنگ‌ها را برای این شهید ساخته معنائیش این است که طراوت و نشاط ذهن موسیقایی ایشنان تمام ناشدنی بود و مدیران ما اگر اراده می‌کردند می‌خواستند می‌توانستند از ایشان بهتر از اینها استفاده کنند. البته علت توجه در سکوت خیلی‌ها آقای احمدعلی راغب به میدان آمدند و کار ساختند! می‌شد که بیشتر و بهتر از ایشان حق شناسی و قدردانی شود.

اتفاقاً آقای شاهنکیان هم چنین خاطره‌ای را در مورد استاد راغب و روزهای پر التهاب ابتدای انقلاب

**گلابه‌های مرحوم راغب بیشتر متوجه چه کسانی بود؟**

استاد گلابه‌های بسیاری داشتند چه از کسانی که او را تنها گذاشته و به خارج از کشور رفته بودند و او را سرزنش می‌کردند که «تو هنوز داری برای این افراد گوناگون بازگو کرده بودند! حتی از برخی مجموعه‌های انقلابی که سفارش کار می‌دادند اما حرف‌های عمل نمی‌کردند و ایشان مجبور بود با‌اعتبار خود عوامل را سر کار حاضر کند، اما هنگام حساب و کتاب کردن برخورد خوبی نکرده بودند!با تمامی این بی‌مهری‌ها و تلخی‌ها پای کار انقلاب ایستاده بودند و حساب و فراز را از بحث انقلاب جدا می‌کردند و بداخلاقی افراد را به حساب و پای انقلاب نمی‌نوشتند و اینها از عمق باور ایشان به مردم، انقلاب اسلامی و امام خمینی (ره) نشئت می‌گرفت.

یادداشت

## تحرك و تحول

## لازمه رسانه‌های برون مرزی

■ **محمد پار ساجفی**

رادیو و تلویزیون‌های برون مرزی دارای کارکردهای گسترده و در عین حال قابلیت‌های خاصی هستند که موجب شده تا ثروتمندترین دولت‌ها و قوی‌ترین ابرقدرت‌ها تا کشورهای عادی بر حسب توان خود تأمین مالی سنگین چنین رسانه‌هایی را بر عهده گیرند.اهمیت داشتن صدایی در جهان به حدی است که چنین هزینه‌هایی را واجب‌نشان می‌دهد. برای شبکه‌های برون مرزی ایران رهیافت‌های گوناگونی را می‌توان در نظر داشت مانند آزاداندیشی به عنوان رسانه‌ای جایگزین، مقابله با شبکه‌های متخاصم، افشاگری اقدامات دولت‌های متجاوز سعودی، صهیونیستی و امریکا، برخی تلویزیون‌های بیرون مرزی نیز کارکردی کاملاً فرهنگی و سرگرمی دارند. آنها می‌توانند فرهنگ ایران را به جهان معرفی کنند که باز هم تأثیر دیپلماسی عمومی خود را خواهد داشت. با این حال شرایط امروز ایران در جهان که آماج حملات تروریستی غرب و همزمان تحریم‌های فزاینده اقتصادی قرار دارد، از یک طرف و سیر شتابان تحولات سریع بین‌المللی از طرف دیگر موجب می‌شود همه این رسانه‌ها یک قابلیت ویژه نیز برای ایران ایفا کنند.

قابلیتی که می‌تواند همه تلاش‌های غرب برای اعمال فشار به ایران را مانند یک بومرنگ به سمت همان دولت‌های استیلاگر بازگرداند. فعالیت دقیق رسانه‌های برون مرزی ایران به عنوان ابزاری فرهنگی علیه فشارهای گوناگون غرب است.

خوشبختانه ایران رسانه‌های گوناگونی دارد که در بخش‌های منطقه‌ای و فرا قاره‌ای به زبان‌های گوناگون عربی، انگلیسی، اسپانیایی، اردو، آذری، یوسنیایی و… در دو محور خبری تحلیلی و نیز فرهنگی و سرگرمی فعالیت می‌کنند. تئورهای یک سسال اخیر و تلاش غرب برای ضربه زدن به موقعیت اجتماعی ایران در کشورهای منطقه از عراق تا لبنان همچنین ضرورت منطقی برای انتقام‌گیری از قاتلان شهیدان سلیمانی و فخری‌زاده که خواست عمومی هم است، دلیلی برای تغییر دادن ساختار بخشی از فعالیت‌های رسانه‌های برون مرزی است. شرایط منطقه هر روز ملتهب‌تر می‌شود و رسانه نیز باید با این تغییرات سازگار شود. این دو رویکرد کدامند؟

رویکرد اول رسانه‌های برون مرزی مانند قبل باید خنثی کردن فعالیت دستگاه پروپاگاندا غربی و نواب منطقه‌ای باشد تا آنچه اولیه ایران می‌گویند با بیان صدایق مخالف خنثی شود. رویکرد دوم به چالش کشیدن مستقیم غرب و متحدانش در منطقه (دولت‌های تل آویز، ریاض و ابوظبی) در عرصه رسانه و متهم کردن آنها به فجایعی است که علیه ملت ایران مرتکب شده‌اند. در این بخش کارهای بسیاری می‌توان انجام داد. کمترین کنشگری به ماجرای تروریسم و اتهام که به ایران نسبت می‌دهند، نلامی دردد؛ حال آنکه این دولت‌ها خود مظهر تروریسم در منطقه و جهان هستند.

■ **تئوریست کیست؟**

دولت ایالات متحده همواره دیگران را به حمایت از تروریسم متهم می‌کند، اما دقیقاً همین حکومت است که از ترور برای تحقق اهداف استیلاگرانه بهره می‌برد و تنها دولتی است که از بمب اتمی علیه مردم غیرنظامی استفاده کرده و باز هم امریکا تنها دولتی است که هر دو یا سه سال یک جنگ خانمان برانداز را تشعلور می‌کند و خسارات جانی و مالی و بدوش بشریت می‌نهد. با این حال همه این اتهامات را به کشورهای مخالفش مانند ایران، سوریه، کوبا، یمن، و… نسبت می‌دهد.

در ساده‌ترین تعریف از تروریسم می‌توان گفت (استفاده از ابزار جنگتی و نظامی علیه غیرنظامیان برای ارسال پیام سیاسی یا اقتصادی به دولت یا ملتی به منظور تحقق یک هدف یا کسب منفعت) که دقیقاً در اکثر رفتارهای اخیر امریکا و انگلیس از ترور نخبگان ایرانی تا مزاحمت برای هواپیمای پرواز تهران- بیروت (تایستان اسمال)، ربودن نفتکش ایرانی در تنگه جبل الطارق و حمله به گذرگاهی میان سوریه و عراق (که قابلیت ارتباط تجاری میان ایران تا سئامدیتزانه را به ما می‌کند) همه و همه اقدامات تروریستی انگلیس و امریکا برت حتی شفشال قرار دادن و زیر سیطره در آوردن ایران و ملت‌های مشابه آن است.

سسیس در کمترین اقدامات امریکا اوج تروریسم دولتی را می‌توان به وضوح دید. تلویزیون‌های برون مرزی ایران به ویژه روش تی وی، العالم و هیسپان تی وی لازم است با استفاده از پرسنل‌های گوناگون رسانه‌ای این موارد را به صورت پررنگ و مستمر به جهان یادآور شوند.

■ **چه می‌توان کرد؟**

به صورت خلاصه می‌توان گفت رسانه‌های بیرون مرز العالم صدواسیما همچون العالم، پرس تی وی، هوسا تی وی، العالم سوریه، الکوثر، سحر و… می‌توانند این مجورها را در قالب انواع برنامه‌های خبری، تحلیلی، اجتماعی و حتی فیلم و سریال (در شبکه‌های عمومی چون سحر یا در ای فیلم) تهیه کنند تا مخاطبان در سطح جهان به ویژه مخاطبان کشورهای غربی بتوانند ماهیت اعمال دولت‌های خود را به نظاره بنشینند.

-تشکیل کمیئن برای محاکمه قاتلان شهید سلیمانی به ویژه رئیس جمهور وقت امریکا ترامپ.

-بازنمایی تحولات دو دهه اخیر غرب آسیا و شمال افریقا و جنگ افروزی امریکا، انگلیس و متحدان منطقه‌ای شان در یمن، سوریه، لیبی، عراق، افغانستان، لبنان، و…

-تلاش برای معرفی قاتلان دانشمندان جهان اسلام که توسط رژیم تل آویو ترور شده‌اند که همه ملت‌های مسلمان را شامل می‌شوند و تنها جدیدترین مورد شهید فخری‌زاده بوده‌است.

-معرفی اسرائیل به عنوان رژیم‌ی تروریستی که از این فعل ضد انسانی برای تحقق اهدافش بهره می‌برد و مورد حمایت امریکا و انگلیس هم قرار دارد.

طبعاً تولید محتوای متفاوت در این مجورها باید بازتشریح در سایر رسانه‌ها به ویژه فضای مجازی داشته باشد. علاوه بر اینکه این تکلیف جدید برای رسانه‌های برون مرزی نیازمند حمایت جدی دولت نیز است. بهترین انتقام زمانی گرفته می‌شود که تروریست غربی در جهان و حتی کشور خودش رسوا شود.